

مصدریابی روایات تفسیر التبیان با تطبیق بر منابع شیعه و سنی

روناک امامی^۱، اعظم فرجامی^۲، زهره نریمانی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۸/۲۶)

چکیده

مصدریابی روایات تفسیر التبیان، به وضوح نشان می‌دهد که منابع حدیثی طوسی، فقط کتاب‌های شیعی نبوده، بلکه از کتب سنی به‌وفور بهره گرفته است. یافته‌ها نشان داد تفسیر طبری، بیشترین تأثیر را بر تفسیر التبیان داشته است. در این میان، روایات مشترکی بین مصادر شیعه و سنی یافت شده‌اند که در منابع تفسیری و روایی فریقین به دو صورت، قابل ردیابی بودند؛ روایاتی که الفاظ یکسان یا همسان دارند و روایاتی که مضمون و محتوای مشترک، با الفاظ تا حدودی متفاوت دارند. بررسی تاریخی این روایات، به شناخت تعامل و رفت‌وآمد روایات تفسیری در منابع شیعه و سنی کمک زیادی می‌کند. از سوی دیگر، روش طوسی در اخذ و شیوه گزارش و انعکاس احادیث در این مقایسه منابع به‌خوبی روشن می‌شود. تقطیع، نقل به معنا، ادراج و تصحیف در متن و سند، از عوارض روش طوسی در نقل روایات التبیان هستند.

کلید واژه‌ها: التبیان فی تفسیر القرآن، روایات مشترک، شیخ طوسی، مصدریابی روایات، مطالعه تطبیقی منابع شیعه و سنی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی؛ Email: r.114emami@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی، (نویسنده مسئول)؛ Email: azamfarjami@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، واحد کرمانشاه؛

Email: zohrehnarimani92@yahoo.com

۱. مقدمه

تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن از کامل‌ترین و معتبرترین تفاسیر قرآنی شیعی است که به‌دست شیخ الطائفه، ابوجعفر طوسی در قرن پنجم هجری، قرن طلایی نگارش تفاسیر مهم جهان اسلام، تألیف شده است. مطالعه و بررسی چندباره این تفسیر با نگاهی نو و تازه، برای شناخت منابع پیشین و اولیه تفسیری و حدیثی قبل از قرن پنجم راه‌گشا و چراغ راهنماست. یکی از جنبه‌های مغفول مطالعه تفسیر التبیان، مصدریابی و منبع‌شناسی این تفسیر است که به‌صورت خاص و جزئی می‌توان به روایات تفسیری آن اشاره کرد. از این‌رو در این پژوهش که بر اساس پایان‌نامه دانشگاهی با عنوان «بازشناسی مصادر روایی تفسیر تبیان طوسی» در دانشگاه رازی، است؛ قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که مصادر روایات تفسیر التبیان چه کتاب‌هایی هستند؟ این منابع در چه دسته‌بندی‌هایی قابل ارائه هستند و کدام‌یک بیش از همه، مصدر روایات التبیان بوده است؟

این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و جستجوی تک‌تک روایات تفسیر التبیان در منابع پیش از شیخ طوسی، به کمک نرم‌افزارهای جامع الاحادیث، مکتبه اهل البیت، الشامله و جامع‌التفاسیر انجام شده است.

در آمارگیری دقیقی که برای ده جلد این تفسیر انجام شد، به ۱۰۳۴ روایت برخوردیم که شیخ طوسی به ائمه معصومین^(ع) رسانده است. این روایات، به فراوانی و معمولاً بدون ذکر مصدر آن‌ها، در تفسیر التبیان گزارش شده است. مصدریابی این روایات، منابع عام مورد استفاده طوسی را نیز مشخص می‌نماید.

جستجو در کتاب‌ها و نوشته‌های تحقیقاتی و پژوهشی، حاکی از آن است که برخی معاصران ضمن تألیفات خود در فصل‌هایی به مصادر حدیثی طوسی اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه مهدی کمپانی‌زارع در فصل سوم کتاب شیخ طوسی و تفسیر تبیان منابع و مآخذ شیخ طوسی در تفسیر التبیان را به‌صورت گذرا آورده است [۳۹]. مرتضی کریمی‌نیا نیز در مقاله «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان» [۳۶]، به ارزیابی منابع طوسی در التبیان پرداخته و آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرده است: منابع تفسیری متأثر شیعه؛ منابع تفسیری - کلامی شیعه در دوره بغداد آل‌بویه و تفاسیر اهل سنت.

تحقیقات فوق، منابع مورد استفاده شیخ طوسی برای تفسیر التبیان را به‌صورت کلی و در همه زمینه‌های تفسیری معرفی نموده‌اند؛ اما این پژوهش، در پی یافتن مصادر «روایی» تفسیر التبیان است که به کمک جستجوی روایات در منابع فریقین از طریق نرم‌افزارهای

تخصصی و پس از تلاش‌های مداوم، مشخص شده‌اند. بنابراین، پرسش اصلی آن است که روایات التبیان، چه میزان مصادر شیعی دارند و به چه میزان از منابع اهل سنت گزارش شده‌اند؟ همچنین به این پرسش پرداخته می‌شود که روایات مشترک شیعه و سنی که در تفسیر التبیان آمده، به چه شکل و تغییراتی در منابع فریقین گزارش شده‌اند؟

۲. گزارش و مقایسه روایات مشترک

منظور از روایات مشترک، روایاتی است که در منابع شیعه و سنی، هر دو، نقل شده است. مطالعه موردی این روایات نشان می‌دهد، معمولاً با دو نوع روایات مشترک شیعه و سنی روبرو هستیم. برخی از این روایات با الفاظ یکسان یا همسان در منابع تفسیری و روایی فریقین قابل ردیابی هستند و گروه دوم، نمونه‌هایی با مضمون و محتوای مشابه در منابع متقدم دارند.

۱.۲. احادیثی با الفاظ یکسان

وقتی الفاظ حدیثی از تفسیر التبیان با احادیث منابع شیعه و سنی برابر و همسان می‌شود، دو حالت رخ می‌دهد؛ گاه کل حدیث و گاهی بخشی از حدیث، همسان با موارد مشابه پیش از خود هستند. آنچه مسلم است، احادیثی که تنها با بخشی از احادیث دیگر همسان هستند، «تقطیع» شده از حدیث بزرگ‌تر بوده‌اند که نزد قدما، رسمی متداول در گزارش احادیث بوده و طوسی از جمله کسانی است که در بسیاری از کتاب‌های حدیثی، فقهی و تفسیری خود دست به تقطیع زده است.

از سوی دیگر مقایسه احادیث طوسی با منابع پیشین نشان می‌دهد، برخی روایات با منابع سنی سازگارتر و همسان‌تر هستند که نشان از منبع بودن کتاب‌های اهل سنت برای تفسیر التبیان دارند. در مواردی، منابع حدیثی شیعیان غیر امامی مانند اسماعیلیه و زیدیه، مصادر روایات طوسی است و گاه منابع پیشین امامیه، مانند کتب اساتید یا هم شاگردی‌های طوسی مورد استفاده وی بوده است. در پاره‌ای اوقات هم احادیث، در منابع شیعی و سنی، به صورت کاملاً یکسان نقل شده‌اند و نمی‌توان هیچ‌کدام از منابع را بر دیگری ترجیح داد. با ذکر نمونه‌هایی، بیشتر می‌توان درباره این پدیده سخن گفت.

۲.۱.۱. احادیث برگرفته از منابع امامی

نمونه احادیث مشترک این دسته، اندک هستند و بیشتر به کتاب‌های شریف مرتضی بازگشت دارد. ظاهر این احادیث نشان می‌دهد که معمولاً احادیث کوتاه و مشهور را شامل می‌شوند.

● عن النبی^(ص) انه قال: «نزل القرآن علی سبعة أحرف کلها شاف کاف» [۳۰، ج ۱، ص ۷].
 شریف مرتضی [۱۸، ج ۴، ص ۲۸۴] و طبری [۲۸، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۵]، هر دو به صورت کاملاً مطابق، این حدیث را گزارش کرده‌اند. تنها تفاوت نقلی که دیده می‌شود در کلمه «نزل» است؛ زیرا شریف مرتضی مانند طوسی «نزل» آورده و طبری در هر دو نقلی که از این روایت ذکر کرده است، از تعبیر «انزل» استفاده کرده است. شاید از همین رو بتوان گفت منبع احتمالی طوسی برای نقل این روایت، کتاب شریف مرتضی است.

● قوله^(ع): «جعلت لی الأرض مسجداً و ترابها طهوراً» [۳۰، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۱۸].
 این روایت در منابع شیعه و سنی گزارش شده است. در منابع شیعی، شریف مرتضی کاملاً مطابق سند و متن طوسی گزارش کرده؛ «ما روی عنه^(ع) من قوله: جعلت لی الأرض مسجداً و ترابها طهوراً» [۱۹، ص ۱۵۳ و ۱۵۴]، اما در منابع اهل سنت، با مرفوع کردن حدیث تا پیامبر^(ص) و نیز انداختن کلمه «ترابها» نقل شده است [نک. ۴، ج ۱۲، ص ۲۰۷؛ ۳، ص ۱۸۸؛ ۷، ج ۲، ص ۴۲۱؛ برای نقل مفصل‌تر حدیث نک. ۵، ج ۱، ص ۱۶۸].

بنابراین منبع احتمالی طوسی برای نقل این روایت، شریف مرتضی بوده است؛ زیرا نقل طوسی با شریف مرتضی همسان‌تر و کلمه «ترابها» در آن موجود است. افزون بر آن، هر دو برای قائل حدیث از اصطلاح «علیه‌السلام» استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر این احتمال هم وجود دارد که طوسی و شریف مرتضی یا منابع وی، حدیث را «تقطیع» کرده باشند.

۲.۱.۲. احادیث برگرفته از منابع سنی

تعداد فراوانی از احادیث مشترک شیعه و سنی که در تفسیر التبیان آمده، بر اساس و مطابق نقل مصادر سنی گزارش شده‌اند. شیخ طوسی بیشتر این احادیث را تقطیع کرده است.

● روی من قوله^(ع): «ادخرت شفاعتی لأهل الکبائر من امتی» [۳۰، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴].
 در منابع شیعی، صدوق روایت را از پیامبر^(ص) نقل می‌کند، اما فاقد لفظ «ادخرت» است [۲۵، ج ۳، ص ۵۷۴]. شیخ مفید نیز روایت را با لفظ «أخرت» گزارش نموده است [۴۶، ص ۵۴]. در منابع اهل سنت، طبرانی روایتی طولانی از پیامبر^(ص) گزارش می‌کند که بخشی از

آن کاملاً مطابق نقل طوسی است؛ «سمعنا نبینا^(ص)» یقول إني ادخرت شفاعتی لأهل الكبائر من أمتی يوم القيامة فأمسکنا عن كثير مما كان في أنفسنا ورجونا لهم» [۲۷، ج ۶، ص ۱۰۶]. بر اساس این متن طبرانی، می‌توان حدس زد که منبع طوسی برای این روایت، کتب حدیثی اهل سنت بوده و طوسی در متن حدیث، تقطیع انجام داده است.

● روی عن النبي^(ص) انه قال: «الکمأة من المن و ماؤها شفاء للعین» [۳۰، ج ۱، ص ۲۵۸].

در منابع شیعی، کلینی این روایت را مزید بر متن شیخ طوسی نقل کرده؛ «قال رسول الله (ص) الکمأة من المن و المن من الجنة و ماؤها شفاء للعین» [۳۸، ج ۶، ص ۳۷۰] و در منابع شیعیان غیر امامی، قاضی نعمان کاملاً مطابق متن طوسی، اما به نقل از امام علی (ع) گزارش نموده است [۳۳، ج ۲، ص ۱۴۷]. در منابع اهل سنت، احمد بن حنبل چند روایت مشابه از پیامبر (ص) آورده که یکی از آنها کاملاً مطابق با متن طوسی و دیگری مزید بر آن است [نک. ۴، ج ۳، ص ۱۷۱ و ج ۱۳، ص ۳۷۹]. با توجه به اینکه منابع حدیثی اهل سنت از نظر تاریخی، متقدم بر قاضی نعمان بوده، احتمالاً منبع اولیه و اصلی این روایت را باید کتاب‌های حدیثی اهل سنت در نظر بگیریم.

● روی عن جابر بن عبدالله قال: «سئل النبي^(ص) أي الصلاة أفضل فقال: طول

القنوت» [۳۰، ج ۱، ص ۴۲۷].

این روایت نیز در منابع شیعی و سنی گزارش شده است. در منابع شیعی، صدوق روایت را از ابوذر نقل کرده [۲۲، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۲۴]، اما منابع اهل سنت، کاملاً مطابق سند و متن طوسی و با نقل از جابر بن عبدالله انصاری آن را گزارش کرده‌اند [۲، ج ۲، ص ۳۵۹؛ ۴، ج ۲۲، ص ۲۶۷]. به سبب شباهت سند و متن، محتمل است طوسی این روایت را از کتب حدیثی اهل سنت گرفته باشد.

● روی الزهري عن أبي سلمة بن عبدالرحمن ابن عوف قال قال رسول الله^(ص):

«الصائم في السفر كالمفطر في الحضر» [۳۰، ج ۲، ص ۱۱۷].

در منابع شیعی، شریف مرتضی روایت را با انداختن سند تا پیامبر^(ص) و به صورت «بروونه عن النبي^(ص) من قوله الصائم في السفر كالمفطر في الحضر» نقل نموده است [۱۷، ص ۱۹۱]. در منابع اهل سنت، کاملاً مطابق با سند و متن طوسی، این حدیث گزارش می‌شود [۲۸، ج ۲، ص ۸۹؛ ۷، ج ۱، ص ۲۶۰]. با توجه به سلسله سند، می‌توان گفت منبع طوسی برای این روایت نیز کتب تفسیری اهل سنت، به ویژه تفسیر طبری، بوده است.

۳.۱.۲. احادیث مشترک منابع شیعه و سنی

در میان منابع شیعیان امامی و غیرامامی و نیز منابع سنی، شماری روایت مشترک، از تفسیر التبیان یافت شد که در منابع شیعه و سنی، کاملاً یکسان، گزارش شده‌اند و دقیقاً مشخص نیست کدام یک منبع تفسیر التبیان بوده‌اند. برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود.

● قال^(ع): «لا تسبوا الدهر فان الله هو الدهر» [۳۰، ج ۱، ص ۲۵].

این روایت در منابع شیعه و سنی گزارش می‌شود. با آنکه شیخ طوسی از تعبیر «علیه السلام» استفاده کرده که معمولاً شیعه برای ائمه^(ع) و غیر از پیامبر^(ص) به کار می‌برد؛ اما منابع شیعه و سنی متفقند که قائل حدیث، پیامبر^(ص) است. نکته دیگر آنکه در منابع شیعی که شریف رضی و شریف مرتضی آن را نقل کرده‌اند، نقل شریف رضی کاملاً مطابق متن روایت شیخ طوسی است و در نقل شریف مرتضی، قلب رخ داده و جای «الله» و «دهر» جابه‌جا شده است؛ «و من ذلك قوله^(ع): لا تسبوا الدهر؛ فإن الله هو الدهر» [۱۴، ص ۲۳۵] و «روى عن النبي^(ص) أنه قال: لا تسبوا الدهر فان الدهر هو الله» [۱۶، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۵]. این روایت در منابع اهل سنت که بیشتر، کتاب‌های حدیثی اهل سنت هستند، با دو نقل مختلف از ابوهریره، کاملاً مطابق نقل طوسی گزارش می‌شود [۴، ج ۱۵، ص ۷۰ و ج ۱۶، ص ۲۳۹؛ ۴۱، ج ۷، ص ۴۵].

● «روى عن النبي^(ص): من سن سنة حسنة فله أجرها و اجر من عمل بها الى يوم القيامة و من سن سنة سيئة كان عليه وزرها و وزر من عمل بها الى يوم القيامة» [۳۰، ج ۱، ص ۱۸۷ و ج ۳، ص ۵۰۲ و ج ۹، ص ۳۳۱].

روایت مذکور در منابع شیعه و سنی گزارش شده است. در منابع شیعی، کلینی بخشی از حدیث پیامبر^(ص) را نقل نموده [۳۸، ج ۵، ص ۹ و ۱۰] و شیخ مفید مطابق نقل شیخ طوسی گزارش داده است؛ با این تفاوت که شیخ مفید، لفظ «کان له» را به جای «فله» به کار برده است «قول النبي^(ص) من سن سنة حسنة كان له أجرها و اجر من عمل بها إلى يوم القيامة و من سن سنة سيئة كان عليه وزرها و وزر من عمل بها إلى يوم القيامة» [۴۴، ص ۱۳۶].

در منابع اهل سنت، جصاص روایتی مطابق با نقل شیخ طوسی گزارش می‌کند؛ با این تفاوت که جصاص لفظ «فعليه» به کار می‌برد [۷، ج ۲، ص ۵۰۷]؛ اما شیخ طوسی از عبارت «کان علیه» استفاده نموده است.

● روى جابر عن أبي جعفر^(ع) أنه قال: «نحن اهل الذكر» [۳۰، ج ۶، ص ۳۸۴] و روى

عن أمير المؤمنين^(ع) انه قال: «نحن اهل الذكر» [۳۰، ج ۷، ص ۲۳۲].
این روایت در منابع مختلف شیعه و سنی گزارش شده است. قاضی نعمان آن را به این صورت «و روينا عن علي أنه سئل عن أهل الذكر من هم قال نحن أهل الذكر و عن أبي جعفر محمد بن علي أنه سئل فقال مثل ذلك» [۳۳، ج ۱، ص ۲۸] آورده است. به تصریح برخی، قاضی نعمان بن محمد مغربی (د ۳۶۳)، از اسماعیلیه و باطنی مذهب بوده است [۹، ج ۱۶، ص ۱۵۰].

طبری نیز روایاتی به این صورت «حدثنا به ابن وكيع قال: ثنا ابن يمان عن إسرائيل عن جابر عن أبي جعفر: فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون قال: نحن أهل الذكر» و «حدثني أحمد بن محمد الطوسي قال: ثني عبد الرحمن بن صالح قال: ثني موسى بن عثمان عن جابر الجعفی قال: لما نزلت: فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون قال علي: نحن أهل الذكر» [۲۸، ج ۱۴، ص ۷ و ج ۱۷، ص ۵] گزارش کرده است. با توجه به این شواهد و مستندات می توان گفت: این روایت میان منابع شیعه اسماعیلی و سنی مشترک است؛ زیرا به سبب شباهت سند و متن، به درستی نمی توان مشخص کرد کدام منبع مورد استفاده شیخ طوسی بوده است. گرچه درباره این روایت خاص باید گفت، نقل طبری به سبب حضور جابر در سند، بیشتر شبیه نقل شیخ طوسی است.

● قوله^(ص): «يحرّم من الرضاع ما يحرم من النسب» [۳۰، ج ۳، ص ۱۶۰].
در منابع شیعی، کلینی مطابق متن شیخ طوسی اما به نقل از امام صادق^(ع) آورده است [۳۸، ج ۵، ص ۴۳۷]. شیخ مفید این روایت را کاملاً مطابق متن شیخ طوسی گزارش می کند [۴۵، ص ۴۹۹]. در برخی منابع اهل سنت نیز روایت کاملاً مطابق نقل طوسی، گزارش می شود [۲۶، ج ۲، ص ۲۱۳؛ ۷، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ۶، ج ۳، ص ۲۸۲]. از این رو با توجه به نقل کاملاً مشابه روایت در منابع فریقین، نمی توان به درستی، منابع شیعی را بر منابع سنی و یا بالعکس، ترجیح داد. تنها به گمانه می توان گفت شاید شیخ مفید نیز از منابع اهل سنت، حدیث را اخذ کرده که منبع شاگردش طوسی هم قرار گرفته است؛ زیرا منابع حدیثی اهل سنت در این حدیث از نظر تاریخی متقدم تر هستند.

● قال النبي^(ص): «سلمان منا أهل البيت» [۳۰، ج ۵، ص ۴۹۴].
این روایت در منابع شیعی با واسطه امام علی^(ع) از پیامبر^(ص) [۲۳، ج ۲، ص ۶۴] و در کتاب های اهل سنت کاملاً مطابق نقل شیخ طوسی [۲۸، ج ۲۱، ص ۸۵] آمده است.
● روی عن النبي^(ص) انه قال: «انا ابن الذبيحين» [۳۰، ج ۸، ص ۵۱۸].

در کتاب‌های شیخ مفید و علی بن ابراهیم قمی [۴۴، ص ۶۰؛ ۳۴، ج ۲، ص ۲۲۶] و در منابع اهل سنت نیز، تفسیر سمرقندی [۱۲، ج ۳، ص ۱۴۷] کاملاً مطابق متن شیخ طوسی نقل کرده‌اند.

● قوله^(ع): «لا تحل الصدقة لغنی و لا لذی مرة سوی» [۳۰، ج ۹، ص ۴۲۲].

این روایت در منابع شیعی، از پیامبر^(ص) البته به صورت مزید بر متن شیخ طوسی، گزارش می‌شود [۲۴، ص ۲۶۲]. در منابع اهل سنت نیز این روایت از پیامبر^(ص) ولی کاملاً مطابق متن شیخ طوسی، نقل شده است [۲، ج ۸، ص ۴۲۹؛ ۳، ج ۱، ص ۵۸۹؛ ۲۸، ج ۲۷، ص ۲۶].

نمونه‌های بیشتر از احادیث التبیان یافت شد که در منابع شیعه و سنی قابل تطبیق هستند [نک. ۳۰، ج ۱، ص ۳۷۲ و ج ۲، ص ۱۰۸ و ۲۷۵ و ج ۳، ص ۱۲۹، ۱۵۷، ۲۹۲، ۴۱۷ و ج ۴، ص ۸۱، ۲۹۶، ۳۷۳ و ج ۵، ص ۱۲۲ و...].

۲-۲. احادیثی با الفاظ مشابه و هم مضمون

در مصدیریابی برخی از احادیث تفسیر التبیان، با احادیثی مواجه می‌شویم که عین تک‌تک الفاظ آن‌ها در منابع روایی فریقین نقل نشده، اما روایاتی با محتوا و مضمونی شبیه آن‌ها در منابع موجودند. با ذکر نمونه‌هایی، بیشتر می‌توان درباره این پدیده سخن گفت.

● عن النبی^(ص) انه قال: «من فسر القرآن برأیه و أصاب الحق فقد أخطأ» [۳۰، ج ۱، ص ۴].

در منابع شیعی، روایاتی از امام صادق^(ع) به صورت «من فسر القرآن برأیه فأصاب لم یؤجر و إن أخطأ کان إثمه علیه» و «من فسر القرآن برأیه إن أصاب لم یؤجر و إن أخطأ فهو أبعد من السماء» [۳۲، ج ۱، ص ۱۷] و در منابع اهل سنت روایتی از پیامبر^(ص) به صورت «...عن النبی^(ص) أنه قال: من فسر القرآن برأیه فلیتوبأ مقعده من النار» نقل شده است [۱۲، ج ۱، ص ۱۲]. نکته قابل توجه این است که عین متن شیخ طوسی در منابع روایی فریقین نیامده، پس احتمال دارد شیخ طوسی «تخلیط» یا «نقل به معنا» کرده باشد. از این رو تنها با یقین می‌توان گفت: مصدر شیخ طوسی برای این روایت، مشخص نیست اما مضمونش در منابع فریقین ذکر شده است.

● روی عن الرضا^(ع): «ان الايمان هو التصديق بالقلب و العمل بالأركان و القول

باللسان» [۳۰، ج ۱، ص ۵۵].

مضمون این روایت در منابع شیعی و سنی گزارش شده است. در منابع شیعی،

کلینی از امام صادق^(ع) «... الأیمان هو الإقرار باللسان و عقد فی القلب و عمل بالأركان» [۳۸، ج ۲، ص ۲۷]؛ صدوق از پیامبر^(ص) «قال رسول الله^(ص): الإیمان معرفة بالقلب و إقرار باللسان و عمل بالأركان» و امام رضا^(ع) «قال سألت الرضا^(ع) عن الإیمان فقال^(ع): الإیمان عقد بالقلب و لفظ باللسان و عمل بالجوارح لا یكون الإیمان إلا هكذا» [۲۳، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۷]؛ و شریف رضی نیز به صورت «قال^(ع): قد یكون الرجل مسلما و لا یكون مؤمنا و لا یكون مؤمنا حتی یكون مسلما و الإیمان إقرار باللسان و عقد بالقلب و عمل بالجوارح» [۱۳، ص ۱۰۰]، آن را نقل و ایمان را تعریف نموده‌اند. هم چنین خود شیخ طوسی در *الأمالی*، ایمان را چنین تعریف می‌کند «قال النبی^(ص) الإیمان عقد بالقلب و نطق باللسان و عمل بالأركان» [۲۹، ص ۴۵۱].

در منابع اهل سنت نیز روایاتی از پیامبر^(ص) گزارش شده که هم مضمون متن شیخ طوسی است؛ «الإیمان معرفة بالقلب و إقرار باللسان و عمل بالأركان» [۲۷، ج ۸، ص ۲۶۲] و «الإیمان تصدیق بالقلب و إقرار باللسان و عمل بالإیمان» [۶، ج ۵، ص ۳۱۵]. در کل می‌توان گفت: مصدر شیخ طوسی برای این روایت، مشخص نیست؛ اما چون مضمون آن در منابع فریقین ذکر شده، به احتمال زیاد، شیخ طوسی «نقل به معنا» نموده باشد. چنان‌که عبارت «القول باللسان» که در متن طوسی آمده، در نقل منابع دیگر به صورت‌های «الإقرار باللسان، لفظ باللسان و نطق باللسان»، ذکر شده است. در تمام روایات فوق، حدیث با «الإیمان» شروع شده، اما در متن طوسی با «إن» آغاز شده است. یکی از پژوهشگران معاصر نیز با جزئیات بیشتر، به صورت خاص این روایت و تغییر و تحولات و نقل به معنای رخ داده را بررسی کرده است [نک. ۱۰، ص ۲۰۷].

● قال^(ع) لما سئل عن أفضل الصدقة، فقال: «جهد المقل علی ذی القرابة الكاشح» [۳۰، ج ۲، ص ۹۷].

روایات مشابه آن در منابع شیعی، «...عن أبي عبد الله^(ع) قال سئل رسول الله^(ص) أي الصدقة أفضل قال علی ذی الرحم الكاشح» [۳۸، ج ۴، ص ۱۰] و در منابع سنی «...أن رجلا سأل رسول الله^(ص) عن الصدقات أيها أفضل قال علی ذی الرحم الكاشح» [۴، ج ۲۴، ص ۳۶؛ ۶، ج ۲، ص ۵۱] قابل ردیابی است.

با جستجویی که صورت گرفت، متنی همانند متن شیخ طوسی در منابع روایی فریقین یافت نشد، اما مضمونش در منابع فوق گزارش شده است. باز هم احتمال دارد شیخ طوسی نقل به معنا کرده باشد. از مصداق‌های نقل به معنا اینکه، در متن شیخ طوسی، عبارت «ذی القرابه» ذکر شده، اما در روایات فوق عبارت «ذی الرحم» آمده، همچنین عبارت «جهد المقل» فقط در متن طوسی به صورت مزید ذکر شده است.

۲. روش شیخ طوسی در گزارش احادیث التبیان

از مقایسه سندی و متنی روایات مشترک و مشابه التبیان، با منابع شیعه و سنی چنین به دست می‌آید که شیخ طوسی در بیشتر موارد، حدیث را دستخوش تغییراتی می‌کند. «تقطیع» و «نقل به معنا» دو آفت بزرگ این شیوه گزارش‌ها است.

۱.۳. تقطیع

تقطیع حدیث، قطعه‌قطعه کردن حدیث و آوردن تنها قطعه‌ای از آن، جدای از قسمت‌های دیگر، در باب متناسب است [۲۱، ص ۳۱۹]. این کار به دلیل جداسازی قرینه‌ها، مانعی برای فهم درست حدیث محسوب می‌شود. میان دانشمندان، درباره حکم تقطیع و نقل قسمتی از یک حدیث، اختلاف است. طبق دیدگاه مشهور تقطیع حدیثی که شامل دو حکم باشد، جایز است [نک. ۸، ص ۱۹۳؛ ۴۰، ج ۲، ص ۲۲۹].

یکی از دستاوردهای مقایسه روایات مشترک و مشابه، مشاهده نمونه‌های فراوان و روشن از جریان تقطیع است. شیخ طوسی نیز از عالمان مشهور به تقطیع است که در کتاب‌های حدیثی خود، مکرر احادیث را بریده و تقطیع کرده است [نک. ۴۷، ص ۱۱۹]. در تفسیر التبیان نیز موارد زیادی قابل مشاهده است که مقایسه با احادیث مشابه منابع شیعه و سنی، تقطیعی بودن آن‌ها را آشکار می‌کند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که معمولاً طوسی احادیث را در تفسیر التبیان، کامل گزارش نمی‌کند؛ بلکه در بیشتر موارد به «تقطیع» حدیث دست می‌زند.

این روایت «قوله^(ص): لم یزل الله ینقلنی من أصلاب الطاهرین الی أرحام الطاهرات» [۳۰، ج ۷، ص ۱۲۹] را شیخ مفید بدین‌گونه «قال رسول الله^(ص) لم یزل ینقلنی من أصلاب الطاهرین الی أرحام المطهرات حتی أخرجنی فی عالمکم هذا» [۴۳، ص ۴۶] گزارش نموده است. از این رو به نظر می‌رسد طوسی، حدیث کتاب *أوائل المقالات* شیخ مفید را تقطیع کرده است.

همچنین روایت نقل شده در التبیان «روی عن أمير المؤمنين^(ع) أنه قيل له: کیف یحاسب الله الخلق و هم لا یرونه؟ قال: کما یرزقهم و لا یرونه» [۳۰، ج ۴، ص ۱۵۹] با قطعه‌ای از متن *نهج البلاغه* همسانی دارد [۱۵، ص ۵۲۸] که نشان از تقطیع حدیث از سوی شیخ طوسی است. روایتی هم درباره ظاهر و باطن قرآن در تفسیر التبیان [۳۰، ج ۱، ص ۹]، و *المجازات النبویه* [۱۴، ص ۲۵۱] یافت می‌شود که هر دو به یک‌شکل گزارش کردند، با این تفاوت که طوسی در متن حدیث تقطیع نموده است.

۲.۳. نقل به معنا و ادراج

نقل به معنا مقابل نقل به لفظ است و هنگامی رخ می‌دهد که معنایی را که از الفاظ معصوم در ذهن وجود دارد با کلمات دیگر و مشابه الفاظ اولیه انتقال یابد. درباره شرایط نقل به معنای جایز و غیر جایز، گفتگو فراوان شده است [۲۰، ص ۳۱۰]. نقل به معنا گاه در سطح تغییر کلمات و گاه در سطح نقل به مفهوم چند جمله، در احادیث مشابه دیده می‌شود.

برای نمونه به نظر می‌رسد این روایت «قوله^(ص) فی رقیا بسم الله ارقیک و الله یشفیک من کل عاهة فیک من کل عین عاین و نفس نافس و حسد حاسد» [۳۰، ج ۴، ص ۶۸] را شیخ طوسی از کتاب *الأمالی* شریف مرتضی «روی ان رسول الله^(ص) کان یرقی فیقول بسم الله ارقیک و الله یشفیک من کل داء یؤذیک و داء هو فیک من عین عائن و نفس نافس و حسد حاسد» [۱۶، ج ۲، ص ۷] نقل به معنا کرده است. جملات «من کل داء یؤذیک و داء هو فیک» خلاصه‌تر شده و به عبارت مترادف «من کل عاهة فیک» نقل به مضمون و معنا شده است.

به‌طور کلی تمام احادیث مشابه هم مضمونی که در منابع شیعه و سنی ردیابی شدند، می‌توانند از نمونه‌های نقل به معنای صورت گرفته از سمت شیخ طوسی قلمداد شوند؛ زیرا بیشتر منابع حدیثی و تفسیری متن احادیث *التبیان* را متفاوت از وی و همسان همدیگر گزارش می‌کنند که نشان می‌دهد، احتمالاً این طوسی است که متن و الفاظ را تغییر داده است.

اضافاتی که از سوی راوی به متن حدیث افزوده شود و گمان رود سخن معصوم است، «ادراج» نام دارد [۲۰، ص ۱۰۴]. شیخ طوسی گاه به‌عنوان توضیح و شرح بیشتر، هنگام تفسیر آیات، کلمات یا جملاتی به انتهای حدیث افزوده که با مراجعه و مقایسه احادیث مشابه مشخص می‌شود، حدیث وی *مُدْرَج* است. برای نمونه طوسی ذیل آیه ۲۷۵ بقره، روایتی در علت تحریم ربا از امام صادق^(ع) گزارش می‌کند «قال أبو عبد الله^(ع) إنما شدد فی تحریم الربا لئلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف فرضاً أو رفداً» [۳۰، ج ۲، ص ۳۶۲]. از مقایسه با منابع حدیثی مانند *الکافی* [۳۸، ج ۵، ص ۱۴۶]، مشخص می‌شود توضیح «فرضاً أو رفداً» از سوی شیخ طوسی در انتهای روایت قرار گرفته، به‌گونه‌ای که باعث شده مخاطب آن را جزء حدیث بداند.

۴. شیخ طوسی و انتخاب منابع

مصدریابی روایات تفسیر التبیان به‌وضوح حاکی از آن است که منابع شیخ طوسی، فقط کتب شیعی نبوده، بلکه طوسی از منابع اهل سنت در نقل روایات به‌وفور بهره گرفته است. بنابراین تفسیر التبیان، تفسیری یک‌سویه و فرقه‌ای نبوده، به‌علاوه می‌توان آن را نمایشگاهی برای انعکاس روایات مشترک فریقین قلمداد نمود. همان‌گونه که از گزارش نمونه‌های حدیثی مشترک شیعه و سنی برآمد، منابع تفسیری و حدیثی سنی، هم‌ردیف منابع شیعی و گاه مقدم‌تر از آن‌ها مورد استفاده شیخ طوسی در تفسیر التبیان بوده است.

برای سهولت در مطالعه و مقایسه مصادر حدیثی و تفسیری، روایات التبیان را در جدول زیر جای دادیم. این فهرست را بر اساس جستجوی کلیدواژه‌های روایات التبیان در همه منابع کهن‌تر از این تفسیر و به کمک نرم افزارها سامان داده‌ایم.

مصادر حدیثی شیعه	مصادر تفسیری شیعه	مصادر حدیثی اهل سنت	مصادر تفسیری و قرآنی اهل سنت
الکافی کلینی (۳۲۹ق)	جابر بن یزید جعفی (۱۲۸ق)	غریب الحدیث قاسم بن سلام (۲۲۳ یا ۲۲۴ق)	معانی القرآن (فراء، زجاج، نحاس)
الغیبه نعمانی (۳۶۱ق)	تفسیر ابوالجارود (۱۵۰-۱۶۰ق)	معاجم طبرانی (۳۶۰ق)	تفسیر القرآن العزیز صنعانی (۲۱۱ق)
کتب قاضی نعمان - مغربی (۳۶۳ق)	التفسیر قمی (ز ۳۰۷ق)	جامع البیان طبری (۳۱۰ق)	
کتب صدوق (۳۸۱ق)	التفسیر عیاشی (۳۲۰ق)	التفسیر الکبیر طبرانی (۳۶۰ق)	
کتب شریف رضی (۴۰۶ق)	المصابیح وزیر مغربی (۴۱۸ق)	احکام القرآن جصاص (۳۷۰ق)	
کتب مفید (۴۱۳ق)	مصادر کلامی تفسیری همچون بعضی کتب شریف مرتضی	اعراب القراءات السبع ابن - خالویه (۳۷۰ق)	
کتب شریف مرتضی (۴۲۶ق)		الحججه للقراء السبعة فارسی (۳۷۷ق)	
		الغریبین ابو عبید هروی (۴۰۱ق)	
		الکشف و البیان ثعلبی (۴۲۷ق)	
		النکت و العیون ماوردی (۴۵۰ق)	
		تفاسیر کلامی معتزله همچون ابوعلی جبایی (۳۰۳ق)، ابوالقاسم بلخی (۳۱۹ق)، محمد بن بحر اصفهانی (۳۲۲ق)، علی بن عیسی رمانی (۲۸۲ یا ۲۸۴ق)	

جدول شماره ۱. مصادر روایات تفسیر التبیان شیخ طوسی

همان‌طور که در جدول مشخص است تفسیر التبیان از تفاسیر امامی اندکی بهره برده است. نکته قابل توجه آن است که شیخ طوسی هیچ‌گاه از تفاسیر کهن امامیه،

مانند تفسیر عیاشی، به صراحت نام نمی‌برد و تنها دو بار از علی بن ابراهیم نام برده است [۳۰، ج ۳، ص ۳۸۶ و ج ۶، ص ۴۸۳]؛ گویی به آن‌ها توجهی نداشته است. روش این تفاسیر، روایی محض است؛ از این‌رو شاید بتوان گفت بیشتر این تفاسیر شیعی، ناقص یا بسیار مختصر و مخصوص برخی آیات بوده‌اند. از سوی دیگر در عصر شیخ طوسی که کلام و عقل‌گرایی در مسائل دینی شایع است، به‌گونه‌ای که فقه‌اثری و روایی به فقه استدلالی و استنباطی تبدیل می‌شود، روش تفسیر اثری هم کمتر مورد استقبال و عنایت است. با این همه مصدریابی دقیق روایات التبیان، نشان می‌دهد، برخی روایات آن، گاه کاملاً مشابه و گاه با نقل به معنا، به دو تفسیر عیاشی و قمی شباهت دارند [برای نمونه تفسیر قمی نک. ۳۰، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ۳۴، ج ۱، ص ۱۳۱؛ برای تفسیر عیاشی نک. ۳۰، ج ۲، ص ۲۴۸ و ج ۳، ص ۱۵۳ و ج ۴، ص ۱۲؛ ۳۲، ج ۱، ص ۱۱۶، ۱۱۵، ۹۸ و ۳۳۶].

بی‌تردید، المصابیح وزیر مغربی تأثیرگذارترین تفسیر شیعی، بر تفسیر التبیان است. از این تفسیر، نسخه ناقصی باقی مانده که روی نسخه خطی آن، مطالعاتی به صورت تحقیقات دانشگاهی انجام شده است [نک. ۳۷؛ ۱۲]. بر اساس نسخه ناقصی که از تفسیر وزیر مغربی در اختیار داریم، می‌توان گفت: این تفسیر به وفور از آراء لغویان و مفسران اهل سنت بهره گرفته است. شیخ طوسی نیز که به صورت پیدا و ناپیدا، فراوان از تفسیر وزیر مغربی تأثیر گرفته است، این روایات سنی را نقل می‌کند [برای نمونه نک. ۳۰، ج ۱، ص ۱۳۶، ۱۸۸، ۳۸۹؛ ۱۱، ص ۱۱۶، ۱۲۵، ۳۸۹...].

برای نمونه، روایت «روی عن أبي عبدالله^(ع) أنه قال: «و ليؤمنوا بي» أي و ليتحققوا أني قادر علی إعطائهم ما سألوا» در تفسیر التبیان [۳۰، ج ۲، ص ۱۳۱] بر اساس المصابیح وزیر مغربی «قال ابو عبدالله^(ع): و لتؤمنوا بي يتحققون اني قادر علی اعطائهم ما سالوا» [۱۱، ص ۲۱۲] نقل شده است. همچنین این نمونه، به خوبی نشان می‌دهد که شیخ طوسی روایات تفسیر المصابیح را نقل به معنا کرده است. شاید از همین‌رو، حجم قابل توجهی از روایات تفسیر التبیان بی‌مصدر باقی می‌مانند؛ زیرا طوسی روایات منابع خود را نقل به معنا کرده تا حدی که شناسایی مصدر اصلی ناممکن می‌شود.

از سوی دیگر بعید است شیخ طوسی، به عنوان شیخ الطائفة امامیه، در تفسیرش به جای نقل از منابع حدیثی شیعه، به صورت مستقیم سراغ کتب حدیثی سنی رفته و از آن‌ها نقل کند و احتمالاً منبع واسطه‌ای مانند المصابیح وزیر مغربی نقش انتقال‌دهنده این روایات منابع حدیثی اهل سنت در تفسیر التبیان را داشته است. از نگاهی دیگر می‌توان گفت: شیخ طوسی مفسری است که بر علوم حدیث تسلط

کاملی داشته، به گونه‌ای که دو کتاب از کتب اربعه شیعه یعنی تهذیب الاحکام و الاستبصار از تألیفات وی است. بنابراین تسلط شیخ طوسی به حوزه حدیث شیعه و اهل سنت، یکی از دلایل بهره‌گیری شیخ طوسی از منابع تفسیری اهل سنت است؛ یعنی می‌توان گفت: احتمالاً این عالم بزرگ شیعی که ناقد حدیث بوده، استفاده از روایات منابع عامه را ضروری و به سبب تبحر در فقه الحدیث بی‌اشکال دانسته است.

همچنین شیخ طوسی در محضر اساتیدی نظیر: شیخ مفید، شریف رضی و شریف مرتضی تحصیل کرده که نقل روایات اهل سنت در کتب ادبی، تفسیری، کلامی و فقهی آنان وجود داشته است و این امر، تلاشی برای ایجاد فضای گفتگو، تعامل متقابل با اهل سنت و کسب مقبولیت در دفاع از آموزه‌های اصلی شیعه بوده است [۳۶، ص ۸۴].

می‌توان گفت: دلیل دیگر مراجعه به منابع اهل سنت و استفاده از روایات و آراء آنان در تفسیر التبیان، حضور و زیست شیخ طوسی در شهر بغداد است که محل حضور گروه‌های مختلف اهل سنت و تضارب آرای کلامی دانشمندان بوده است. از این رو و با توجه به فضا و شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر وی، ارائه تفسیری با عنایت بر دیدگاه‌های رایج گروه‌های فکری مختلف بغداد، بایسته بوده تا نقشی مثبت و وحدت‌بخش در رفع تناقضات علمی و اجتماعی شیعه در آن عصر باشد [۴۲، ص ۳۸۴-۳۸۶].

بنابراین استفاده گسترده از اقوال صحابه و تابعین و روایات آن‌ها، نقل، نقد و بررسی اقوال مفسران، اهتمام به مباحث کلامی، مطرح نمودن تفسیر آیات به صورت مقارنه‌ای بین شیعه و اهل سنت، جواب از شبهات فرق گوناگون مانند مفوضه، مجبره، مشبهه و مجسمه، استفاده از روایات تفسیری به صورت گزینش شده و از همه مهم‌تر، ارزیابی روایات تفسیری، برخی از مهم‌ترین شواهدی است که رویکرد کلامی و محوریت عقل در تفسیر التبیان را نشان می‌دهد؛ زیرا هیچ‌یک از این موارد بدون بهره‌گیری از عقل و استدلال‌های عقلی، نتیجه مطلوب و کافی نخواهد داشت [۳۵، ص ۶۶-۶۷].

در باره تفاسیر اهل سنت نیز باید گفت: با آنکه برخی روایات مشترک و مشابه، در تفسیر التبیان و تفاسیر یادشده اهل سنت وجود دارند، نمی‌توان به یقین گفت شیخ طوسی از آن‌ها استفاده مستقیم کرده است؛ زیرا برخی هم‌چون ثعلبی و ماوردی هم‌عصر وی بودند و مشخص نیست که حتماً تفاسیر آن‌ها را دیده باشد. از برخی، مانند تفسیر طبرانی هیچ نامی و یادکردی در تفسیر التبیان دیده نشد. با این همه می‌توان با قطع و یقین گفت: در میان تفاسیر اهل سنت، بی‌تردید شیخ طوسی، تفسیر طبری را در اختیار داشته است.

نام «الطبری» بالغ بر ۱۶۰ بار در متن تفسیر التبیان ذکر شده و طوسی به آراء و اقوال وی استناد و استشهاد کرده است [برای نمونه نک. ۳۰، ج ۱، ص ۹، ۴۸، ۶۰،

۱۲۰، ۱۵۰، ۲۰۱ و...]. همچنین بررسی‌های ما نشان داد بیش از ۲۵۰ روایت در تفسیر التبیان می‌توان یافت که برگرفته از تفسیر طبری بوده است.

برای نمونه این روایت «روی ابوقلامه عن النبی (ص) انه قال: نزل القرآن علی سبعة أحرف: أمر و زجر و ترغیب و ترهیب و جدل و قصص و أمثال» [۳۰، ج ۱، ص ۷] در تفسیر طبری این‌گونه گزارش شده است: «حدثنا محمد بن بشار قال حدثنا عباد بن زکریا عن عوف عن أبي قلابة قال بلغني أن النبي (ص) قال أنزل القرآن على سبعة أحرف أمر و زجر و ترغیب و ترهیب و جدل و قصص و مثل» [۲۸، ج ۱، ص ۲۴]. با توجه به یافت نشدن روایت در دیگر منابع، به نظر می‌رسد منبع شیخ طوسی، تفسیر طبری بوده؛ هرچند شیخ طوسی سلسله سند را انداخته و در اسم راوی و دو لفظ «نزل و أمثال» تصحیف نموده است.

ورود روایات تفسیری اهل سنت از طریق تفسیر التبیان به مجامع حدیثی شیعه، به صورت پراکنده در تألیفات دیگر پژوهشگران تصریح و تبیین شده است. برای نمونه علامه عسگری که از روایات اهل سنتی که در منابع شیعه نقل می‌شوند با تعبیر «الروایات المنتقلة» یاد می‌کند و برای آن نمونه‌های فراوانی را خلال مباحثش، ارائه می‌دهد [۳۱، ج ۳، ص ۲۰۷، ۲۲۴]، به مواردی از روایات منتقله که اولین بار شیخ طوسی در تفسیر التبیان، منتقل کرده اشاره دارد [۳۱، ج ۳، ص ۷۳۳].

جدول زیر آمار تقریبی و گرد شده منابع و مصادر روایات التبیان از کتاب‌های شیعه و سنی را نشان می‌دهد. همچنین میزان روایات مشترک و مشابه شیعه و سنی که در تفسیر التبیان آمده را نیز به تفکیک مشخص می‌کند.

جدول شماره ۲. مصادر روایات تفسیر التبیان به تفکیک و تعداد روایات آن‌ها

ردیف	مصادر و دسته‌بندی روایات	تعداد روایات
۱	جمع روایات تفسیر التبیان	۱۰۳۴
۲	روایات اخذ شده از مصادر حدیثی شیعه	۶۲
۳	روایات اخذ شده از مصادر تفسیری شیعه	۱۹۷
۴	روایات اخذ شده از مصادر حدیثی اهل سنت	۳
۵	روایات اخذ شده از مصادر تفسیری اهل سنت	۳۸۵
۶	روایات مشترک بین منابع شیعی	۱۰۰
۷	روایات مشترک بین منابع اهل سنت	۴۵
۸	روایات مشترک بین منابع شیعی و سنی	۸۵
۹	مصادر لغوی	۷
۱۰	مصادر متفرقه	۱۰
۱۱	روایات بدون مصدر	۱۴۰

نتیجه

نمونه‌های یافت شده از روایات تفسیر *التبیین* نشان می‌دهد که حجم قابل توجهی از روایات شیعه و سنی مشترک هستند که به صورت الفاظ یکسان یا الفاظ مشابه با هم، قابل تطبیق هستند. اگر جامعه آماری را از تفسیر خاصی مثلاً *التبیین* به گروه بیشتری از منابع تغییر دهیم، احتمالاً با روایات مشترک بیشتری روبرو خواهیم شد. گرچه *التبیین* به سبب بهره‌گیری از منابعی که از کتاب‌های اهل سنت فراوان استفاده کرده‌اند، نمونه‌های مشترک زیادی دارد. از سوی دیگر وی از تفسیر طبری به صورت مستقیم استفاده کرده که از یک سو سبب راه‌یابی روایات تفسیری اهل سنت به شیعه شده و از سوی دیگر، روایات مشترک بیشتری را قابل شناسایی کرده است.

بیشتر روایات مشترکی که برگرفته از منابع امامی تشخیص داده شده‌اند، بر اساس کتب اساتید و هم‌شاگردی‌های طوسی نقل شدند. احتمالاً شیخ طوسی و عالمان شیعی هم‌عصرش، منابع مشترکی در اختیار داشتند که سبب شده، طوسی احادیث تفسیری را بیشتر از نقل آن‌ها گزارش کند. کتاب‌های دانشمندانی مانند: شیخ مفید، شریف مرتضی و شریف رضی از این دسته هستند.

بیشتر روایاتی که الفاظ یکسان داشتند و در نقل، کاملاً مطابق الفاظ منابع شیعه و سنی، هر دو، آمده‌اند، جملاتی کوتاه و مشهور دارند. مثلاً اشاره شد که روایت «نحن أهل الذکر» در مصادر شیعه و سنی به یک شکل نقل شده‌اند.

مقایسه روایات مشترک با الفاظ مشابه نشان داد که در مواردی، متن روایات تفسیر *التبیین* تغییر کرده است؛ زیرا احتمالاً شیخ طوسی بر اساس حافظه و نه بر مبنای متن پیش‌رو و نسخه ثابت، روایت را نقل می‌کند. از این رو روایات نقل شده در متن *التبیین*، فراوان تقطیع، نقل به معنا و تلخیص سند و متن دارد. گاهی نیز ادراج با سخن و توضیح طوسی و گاه درهم‌شدگی دو روایت در یکی و تصحیف در اسامی راویان سند و الفاظ متن دیده می‌شود.

درباره علت رخداد این پدیده‌ها در *التبیین* چنین می‌توان توضیح داد که شیخ طوسی برای استفاده بهتر و بیشتر از روایات، جهت استشهاد اقوال تفسیری، ناچار به گزینش کردن (تقطیع) یا خلاصه کردن (نقل به معنا) بخش مورد نظر روایت بوده است؛ اما آفت‌های قلب، ادراج یا تصحیف، به سبب نقل زیاد روایات (بیش از هزار روایت) و ده‌ها هزار نقل اقوال صحابه، تابعین و مفسران دیگر، از خطاهای انسانی گزیرناپذیر است. به عبارت دیگر، با توجه به مقام و منزلت شیخ طوسی و قدرت ضبط و وثاقتی که رجالیان

درباره وی اذعان کرده‌اند، به یقین این خطاها غیر عمدی و به سبب انبوه نقلیات مشابه هم بوده است.

یافت نشدن مصدر تعدادی از روایات التبیان، بیان‌گر وجود مصادری است که الان مفقود بوده و در دسترس ما قرار ندارند. از سوی دیگر نقل به معنای مکرر شیخ طوسی از منابع مورد استفاده‌اش، می‌تواند دلیل دیگر آن باشد.

مقایسه احادیث شیخ طوسی با منابع پیشین نشان می‌دهد، برخی روایات با منابع سنی سازگارتر و همسان‌تر هستند که نشان از منبع بودن کتاب‌های اهل سنت برای تفسیر التبیان دارد. منبع احتمالی شیخ طوسی که سبب راه‌یابی این روایات به تفسیر وی شده، تفسیر المصابیح است؛ زیرا به نظر می‌رسد درب تفسیر المصابیح بر روی احادیث و اقوال اهل سنت باز بوده است. همچنین بازیابی مصادر روایی تفسیر التبیان، افزون بر ارزیابی میزان اعتبار تفسیر، به کشف و بازسازی بخش‌های دیگر تفسیر وزیر مغربی کمک می‌کند.

با توجه به مصدریابی روایات التبیان، می‌توان اعلام کرد که جامع‌البیان طبری و پس از آن المصابیح وزیر مغربی، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مصادر روایی شیخ طوسی به‌شمار می‌آیند.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن‌ابی‌شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹). المصنف ابن‌ابی‌شیبہ فی الاحادیث والآثار. تحقیق و تعلیق: سعیداللحام، لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۳]. ابن‌ماجه، محمد بن یزید (۴). سنن ابن‌ماجه. تحقیق و ترقیم و تعلیق: محمدفواد عبدالباقی، (۴)، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۴]. احمد بن حنبل، احمد (۱۴۲۰). مسند الامام الحنبل. محقق: شعیب الأرنؤوط و آخرون، چاپ دوم، (۴)، مؤسسه الرساله.
- [۵]. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷). صحیح البخاری. تحقیق: مصطفی دیب‌البغا، چاپ سوم، لبنان، دار ابن کثیر.
- [۶]. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲). الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی. محقق: ابو محمد ابن عاشور، لبنان، دار إحياء التراث العربی.
- [۷]. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵). احکام القرآن. تحقیق: عبدالسلام محمد علی شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- [۸]. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۰۹). *الكفايه في علم الروايه*. لبنان، دارالكتب العلميه.
- [۹]. ذهبي، محمد بن احمد (۱۴۱۳). *سير أعلام النبلاء*. محقق: اكرم البوشي، چاپ التاسعه، لبنان، مؤسسه الرساله.
- [۱۰]. رهبري، حسن (۱۳۸۷). «روايت در تفسير تبيان». مجله پژوهش‌های قرآنی، قم، سال ۱۴، شماره ۵۶، زمستان، صص ۱۹۰-۲۱۹.
- [۱۱]. زهرانی، عبدالکریم بن صالح (۱۴۲۱). «المصباح في تفسير القرآن العظيم للحسين بن علي المعروف بالوزير المغربي (ت: ۴۱۸) من اول سورة الفاتحه الى آخر سورة الاسراء». رساله دکتری، في تخصص لغويات. استاد راهنما: عليان بن محمد الحازمي، كليه اللغه، جامعه ام القرى، المملكة العربية السعوديه.
- [۱۲]. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶). *تفسير السمرقندی المسمى بحر العلوم*. محقق: عمر عمروی، لبنان، دارالفکر.
- [۱۳]. شريف رضى، محمد حسن (۱۴۰۶). *حقائق التأويل في متشابه التنزيل*. شارح: محمد رضا آل كاشف الغطاء، بيروت، دارالأضواء.
- [۱۴]. _____ (؟). *المجازات النبويه*. تحقيق و شرح: طه محمد الزيتي، قم، منشورات مكتبه بصيرتي.
- [۱۵]. _____ (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*. تحقيق: ما أختاره و جمعه الشريف الرضى؛ ضبط نصه و ابتكر فهرسه العلميه: صبحي صالح، (؟)، (؟).
- [۱۶]. شريف مرتضى، علي بن حسين (۱۳۲۵). *الأمالى*. تصحيح و تعليق: محمد بدرالدين نعساني حلبى، (؟)، منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفى.
- [۱۷]. _____ (۱۴۱۵). *الانتصار*. تحقيق: مؤسسه النشر الاسلامى، قم، مؤسس النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين.
- [۱۸]. _____ (۱۴۱۰). *الشافى في الإمامه*. چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعيليان.
- [۱۹]. _____ (۱۴۱۷). *الناصریات*. تحقيق: مركز البحوث و الدراسات العلميه، رابطه الثقافه و العلاقات الإسلاميه مديره الترجمة و النشر، مؤسسه الهدى.
- [۲۰]. شهيد ثانی، زين الدين بن علي بن أحمد (۱۴۳۳). *البدایه في علم الدرايه*. محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، محلاتی.
- [۲۱]. _____ (۱۴۱۳). *الرعايه في علم الدرايه*. محقق: عبدالحسين محمد علي بقال، قم، مكتبه سماحه آيه الله العظمى المرعشى النجفى الكبرى.
- [۲۲]. صدوق، محمد بن بابويه (۱۴۰۳). *الخصال*. چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۲۳]. _____ (۱۳۷۸). *عيون اخبار الرضا*^(ع) (؟). انتشارات جهان.
- [۲۴]. _____ (۱۳۶۱). *معانى الأخبار*. قم، انتشارات جامعه مدرسین.

- [۲۵]. _____ (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. چاپ سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۲۶]. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر؛ تفسیر القرآن العظیم. اردن، اربد، دارالکتاب الثقافی.
- [۲۷]. _____ (۱۴۱۵). المعجم الاوسط. تحقیق: قسم التحقیق بدارالحرمین، (؟)، دارالحرمین للطباعه و النشر و التوزیع.
- [۲۸]. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. لبنان، دارالمعرفه.
- [۲۹]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأمالی. قم، انتشارات دارالثقافه.
- [۳۰]. _____ (؟). التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح: احمد حبیب عاملی، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۱]. عسگری، مرتضی (۱۳۷۴). القرآن الکریم و روایات المدرستین. تهران، مجمع علمی الاسلامی.
- [۳۲]. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). التفسیر؛ تفسیر العیاشی. محقق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- [۳۳]. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام والقضایا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام. چاپ دوم، مصر، دارالمعارف.
- [۳۴]. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. محقق: طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم، دارالکتاب.
- [۳۵]. کاظمی، محمد (۱۳۸۹). «سبک‌شناسی تفسیر تبیان در تعامل با روایات تفسیری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، استاد راهنما: ناصر رفیعی محمدی، دانشکده علوم حدیث، دانشگاه قم.
- [۳۶]. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۵). «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان». مطالعات اسلامی، تهران، شماره ۷۴، تابستان، صص ۸۱-۱۱۱.
- [۳۷]. _____ (۱۳۹۴). «وزیر مغربی و روش‌شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن». رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، استادان راهنما: منصور پهلوان و مجید معارف، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- [۳۸]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۹]. کمپانی زارع، مهدی (۱۳۹۰). شیخ طوسی و تفسیر تبیان، تهران، خانه کتاب.
- [۴۰]. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸). مقیاس الهدایه فی علم الدرایه. محقق: محمدرضا مامقانی. قم، معلم.
- [۴۱]. مسلم، ابن الحجاج (؟). صحیح مسلم. لبنان، دارالفکر.
- [۴۲]. معارف، مجید (۱۳۸۱). تاریخ عمومی حدیث. چاپ دوم، تهران، کویر.
- [۴۳]. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

- [۴۴]. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳). *الفصول المختاره من العيون و المحاسن*. قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- [۴۵]. _____ (۱۴۱۳). *المقنعه*. قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- [۴۶]. _____ (۱۴۱۳). *النکت فی مقدمات الاصول*. قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- [۴۷]. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد (۱۴۱۵). *الفوائد الحائریه*. قم، مجمع الفکر الإسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی